علمی - پژوهشی
فصلنامهٔ تخصّصی مطالعات قرآن و حدیث سفینه
سال بیست‌ویکم، شمارهٔ ۸۱ «ویژهٔ باورشناخت»، زمستان ۱۴۰۲، ص ۱۹۲-۱۹۷

معنای هدایت و اضلال قرآن*

حمیده رحیمی[۱]

چکیده:

نویسنده در این نوشتار، در بارهٔ معنای اضلال خداوند که در برخی از آیات متشابه قرآن آمده، توضیح می‌دهد که این گمراه گری به رفتار بندگان بر می‌گردد که با وجود معرفت راه هدایت و ضلالت، به سوء اختیار خود ضلالت را بر می‌گزینند. نگارنده دیدگاه خود را به کلام امیرالمؤمنین و امام باقر علیهما السلام مستند می‌کند.

کلیدواژه: عدل الهی، آیات متشابه، اختیار مردم، نفی جبر.

---

* براساس درس گفتارهای استاد محمد بیابانی.

دریافت: ۱۴۰۲/۰۳/۰۷؛ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۸/۰۸.

۱. پژوهشگر علوم اسلامی

مقدمه

قرآن کریم در آیات متعدد خود را به هدایت توصیف می‌کند، امّا در آیات چندی، از وصف اضلال به خود هم تعبیر می‌کند. خدای تعالی می‌فرماید: «فَمَا لَكُمْ فِي الْمُنَافِقِينَ فِئَتَيْنِ وَاللَّهُ أَرْكَسَهُم بِمَا كَسَبُوا أَتُرِيدُونَ أَن تَهْدُوا مَنْ أَضَلَّ اللَّهُ وَمَن يُضْلِلِ اللَّهُ فَلَن تَجِدَ لَهُ سَبِيلا» (نساء، ۸۸).

خداوند متعال در این آیه شریفه خود را به عنوان اضلال و گمراه کننده منافقان معرفی می‌کند و به پیامبر خویش تصریح می‌کند که کسی را که خدا اضلال و گمراهش کند، تو هیچ راهی برای او نخواهی داشت.

إِنَّ اللَّهَ لا يَسْتَحْيِي أَن يَضْرِبَ مَثَلاً مَّا بَعُوضَةً فَمَا فَوْقَهَا فَأَمَّا الَّذِينَ آمَنُوا فَيَعْلَمُونَ أَنَّهُ الْحَقُّ مِن رَّبِّهِمْ وَأَمَّا الَّذِينَ كَفَرُوا فَيَقُولُونَ مَاذَا أَرَادَ اللَّهُ بِهَذَا مَثَلاً. يُضِلُّ بِهِ كَثِيرًا وَيَهْدِي بِهِ كَثِيرًا وَمَا يُضِلُّ بِهِ إِلَّا الْفَاسِقِينَ. (بقره، ۲۶)

باید دانست که این آیه در شمار آیات متشابه است که کوردلان در صدد سوء استفاده از آن برآمده‌اند تا جبر در افعال انسان را به خداوند نسبت دهند و نهایتاً خدا را ستمکار معرفی کنند. برای رهایی از دام این کژروی ها، باید از دو حجت الهی، یعنی عقل و پیامبران و امامان معصوم علیهم‌السلام کمک بگیریم و وجه صحیح این آیات را بیابیم. اینک با استمداد از حضرت بقیة الله عجل الله تعالی فرجه می‌گوییم.

توضیح

از این تعبیر قرآن در مورد یک مَثَل از خدای تعالی که به نظر کفار، خدا عده‌ای را گمراه و عده‌ای را هدایت می‌کند، روشن می‌شود که هدایت و گمراه کردن خدا به «مَثَل واحد» به «خود آن مَثَل» برنمی‌گردد، بلکه به «جهت گیری اشخاص در ارتباط با خدا پیش از این» برمی‌گردد. به همین جهت خداوند متعال تذکر می‌دهد که مؤمنان با شنیدن مَثَل الهی می‌گویند: این مَثَل، حق و از جانب خداست، در حالی که کفار نسبت به آن مَثَل خدا به دیدهٔ دیگر می‌نگرند. پس هدایت و ضلالت نتیجهٔ مَثَل خدا نیست، بلکه کفر و ایمان موجب می‌شود نگاه کافر و مؤمن به مَثَل الهی متفاوت باشد. به همین جهت خداوند

یادآوری می‌کند که گمراه شدن و گمراه کردن، تنها و تنها با مَثَل الهی برای فاسقان است. یعنی نه که از مثل الهی به آنچه خدای تعالی برای آنها از رسیدن به حق و تذکر و تنبه دوری می‌کنند و نمی‌توانند از نور و روشنایی مَثَل الهی بهره‌مند گردند.

در آیه دیگر می‌فرماید:

وَمَا جَعَلْنَا أَصْحَابَ النَّارِ إِلَّا مَلَائِكَةً وَمَا جَعَلْنَا عِدَّتَهُمْ إِلَّا فِتْنَةً لِلَّذِينَ كَفَرُوا لِيَسْتَيْقِنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ وَيَزْدَادَ الَّذِينَ آمَنُوا إِيمَانًا وَلَا يَرْتَابَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ وَالْمُؤْمِنُونَ وَلِيَقُولَ الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِم مَّرَضٌ وَالْكَافِرُونَ مَاذَا أَرَادَ اللَّهُ بِهَذَا مَثَلًا كَذَلِكَ يُضِلُّ اللَّهُ مَن يَشَاءُ وَيَهْدِي مَن يَشَاءُ وَمَا يَعْلَمُ جُنُودَ رَبِّكَ إِلَّا هُوَ وَمَا هِيَ إِلَّا ذِكْرَى لِلْبَشَرِ. (المدثر، ۳۱)

در این آیه شریفه نیز خدای تعالی تصریح می‌کند که هدایت او خاص مؤمنان است و اضلال او ویژهٔ کسانی است که در دل‌های آنها مرض وجود دارد و کفر پیشه‌اند. این هدایت غیر از هدایت عمومی بندگان است که خدای تعالی به آن هدایت عمومی، همه بندگانش را به سوی خویش هدایت کرده، آنان را به خودشان آگاه ساخته است. در این هدایت به آنان بیان می‌کند که:

* من پروردگار شمایم و شما مربوب و مخلوق و مملوک من هستید.

* مرگ و زندگی همه شما به دست من است و شما بندگان من هیچ کاری را بدون اجازه و اذن من نمی‌توانید انجام دهید.

* من می‌توانم شما را به خواسته‌هایم مجبور کنم، ولی به شما آزادی و اختیار و عقل و آگاهی و قدرت و حق انتخاب به شما داده‌ام.

* به گونه‌های گوناگون امتحانتان می‌کنم.

* در سایه عملکرد شما برایتان الطاف و نعمت‌هایم را می‌افزایم، ایمان و انقیاد شما را شکر می‌گزارم، نعمت‌هایم را بر شما فزونی می‌بخشم.

* در مقابل کفر و عصیان و نافرمانی و ناسپاسی، شما را از فضل و احسان خویش محروم می‌دارم و به عذابی شدید جزایتان می‌دهم.

پس هدایت تسلیم شدگان و مؤمنان بهره‌مندی آنان از فضل و احسان خاصّ خدای

تعالی برای آنان است. اضلال خدای تعالی نسبت به عصیان کفر ورزان نیز محروم ساختن آنان از این فضل و احسان خاص می‌باشد. بدین ترتیب آنان خود را از رسیدن به هدایت خاص محروم می‌کنند. لذا راهی به سوی درجات عالی هدایت و قرب به سوی خدا و برخورداری از نعمت‌های خاص الهی پیدا نخواهند کرد، مگر اینکه توبه کنند و از راه گذشته باز گردند.

کلام امیرالمؤمنین علیه‌السلام

امیرالمومنین علیه‌السلام در کلامی راهگشا، دو گونه ضلالت را بیان می‌دارد. ضلالت پسندیده را منسوب به خدا می‌داند که کیفر کفران نعمت بندگان زشتکار است. می‌فرماید: «فأمّا الضَّلالُ المَحمودُ - و هُو المَنسوبُ إلی اللهِ تعالی - کقولِهِ: «یُضِلُّ اللهُ مَن یَشاءُ» هُو ضَلالُهُم عن طریقِ الجَنَّةِ بفِعلِهِم. (بحارالأنوار ج ۵ ص ۲۰۸)

حضرتش اضلال و گمراهی پسندیده را به خدای تعالی نسبت می‌دهد، که گمراه شدن آنان از راه بهشت به سبب اعمال خودشان است.

آن جناب در توضیح و تفسیر آیه شریفه «ان الله لا یستحیی ان یضرب مثلا ما بعوضة...» که بیش از این آمد، می‌فرماید: «اما الضلال المنسوب الی الله تعالی الذی هو ضدّ الهدی، و الهدی هو البیان، و هو معنا قوله سبحانه: «أولم یهد لهم» (سجده، ۲۶) معناه: «أو لم أبیّن لهم» مثل قوله سبحانه: «فهدیناهم فاستحبّوا العمی علی الهدی») فصلت، ۱۷) أی: بیّنا لهم». (بحارالانوار ج ۵ ص ۲۰۸)

طبق این کلام علوی، اضلال و گمراهیِ منسوب به خدای تعالی ضدّ هدایت به معنای بیان است. خدای سبحان در قرآن می‌فرماید که آنان را هدایت کردیم، ولی آنها کوری و ضلالت را بر بیان ترجیح دادند.

بعد از بیان این نکات، امیرالمؤمنین علیه‌السلام توضیح می‌دهد که گروهی از منافقان به خدای تعالی احتجاج کرده و می‌گویند: «خدا با این مَثَل زدن تعداد زیادی را گمراه و تعداد کثیری را هدایت می‌کند...»

«معنای گمراهی که نسبت به خدای تعالی دارد همین است؛ زیرا خدای تعالی

پیشوای هدایتگر را نسبت به آنچه هشدار دهنده آورده بود، برای آنان نصب کرد ولی آنان با او مخالفت کرده و به او پشت نمودند، بعد از آنچه اقرار به وجوب اطاعت او کرده بودند و آنگاه که برایشان بیان شد آنچه بدان اخذ می‌کردند آنچه باید می‌دانستند او را مخالفت کردند و گمراه شدند.

این امر با وجود آگاهی آنان به سخن پیامبر صلی الله علیه و آله بود که فرمود: «وقتی بر من صلوات می‌فرستید، آن را دم بریده نفرستید بلکه صلوات بر من را با صلوات با اهل بیتم کامل کنید و آنان را از من جدا نکنید که هر سبب و نسبی روز قیامت از بین می‌رود جز سبب و نسب من». آنان وقتی با خدای تعالی مخالفت کردند گمراه شده و گمراه کردند و خداوند امت را از پیروی آنان بر حذر داشت....» (بحارالانوار ج ۵ ص ۲۰۸)

امیرالمؤمنین علیه‌السلام توضیح می‌دهد که:

* خداوند متعال هیچ کسی را در مرحلهٔ نخست گمراه نمی‌کند، بلکه گمراهی گمراهان به فعل خودشان است، بعد از اینکه خدای تعالی آنان را راه نمود و به آنان به طور کامل روشنگری کرد.

* برای آنان امام هدایتگر برپا داشت.

* پیامبری هدایتگر بر ایشان فرستاد.

* عقل فردی که حجت را بر آنان تمام می‌کند به آنان عطا فرمود

* برایشان بهشت و جهنم آفرید.

* آنان را برای رفتن به سوی بهشت ترغیب کرد و از رفتن به سوی جهنم بر حذر داشت.

* اما آنان به جای اینکه راه خویش را به سوی بهشت گشایند و آن راه را پیمایند، راه جهنم را پیش گرفتند.

* از طریق روشن بهشت و هدایت منحرف شدند، با عقل خویش مخالفت کردند، در نتیجه راه خویش را گم کردند و دیگران را هم به گمراهی کشاندند.

خداوند متعال با سنت امتحان و ابتلاء و تکلیف، انتخاب خوب و بدِ بندگان خود را می‌آزماید. اما آنان به انتخاب خود، راه خویش را با آزادی کامل برمی گزینند. کسی که به

راه خدا وارد شود، توفیق و امداد یاریش گردد. و کسی که با آزادی و آگاهی راه خلاف پیشه کند، از توفیق و یاری و فضل و احسان خدا محروم گردد و به ضلالت و گمراهی و آتش جهنم که خدای تعالی برایشان فراهم کرده است دچار شود.

کلام امام باقر علیه‌السلام

این مضامین در ضمن نامهٔ امام باقر علیه‌السلام نیز به بیانی روشن آمده است. حضرتش می‌فرماید: «(نیکان) به خوبی می‌دانند که خداوند تبارك و تعالی شکیباست و دانا، و خشمش دامنگیر کسی است که خشنودی او را نمی‌پذیرد و بخشش خود را از کسی که آن را نمی‌پذیرد، دریغ می‌ورزد، و کسی را که پذیرای هدایت او نیست گمراه می‌کند. او سپس به گناهکاران امکان توبه می‌دهد و گناهان آنان را به حسنه تبدیل می‌سازد. او در کتاب خود بندگانش را با آواز بلند، بدین کار فراخوانده است، و این دعوت گسسته نگردد و دعای خود را از بندگانش دریغ نکند.

خداوند لعنت می‌کند کسانی را که آنچه را او فرستاده نهان می‌سازند. خداوند بر خود رحمت و مهربانی را فرض کرده است، و رحمتش بر خشمش پیشی گرفته، و به درستی و عدالت تمام می‌شود. خداوند با بندگان خود به خشم آغاز نکند، پیش از آنکه او را به خشم آورند، و این حقیقت از علم الیقین و علم پرهیزکاری است». (روضه کافی، حدیث ۱۶، ج ۸ ص ۵۲).

در این کلام وحیانی به خوبی روشن می‌شود که اصل اضلال خدا به فعل اختیاری بنده اش بر می‌گردد که هدایت موهبتی خداوند را نپذیرد. با این همه دری به نام توبه بر روی او گشوده که هر زمان بخواهد، به سوی خداوند باز گردد. نکتهٔ دیگر اینکه حضرتش تصریح می‌کند که خداوند با همگان از مهرورزی آغاز می‌کند نه عذاب، مگر اینکه او را به خشم آورند که در این صورت، عذاب خدا کیفر کفران نعمت آنها می‌شود.